

فواید جانبی کرونا

قسمت ششم

أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولاً

آیه اسرا ۳۴

(و عده افغانیست یا اروپائی)

مطایبه بعضی افغانها با همدیگر.

انتظار سختترین شکنجه - و وعده خلافی زشت ترین عادت است
آنهاییکه دوستان را بدون عذر معقول به انتظار می گذارند و به وعده و قرار
خویش پایبند نمی باشند از اعتماد و اعتبار خودها می کاهند و سبب رنجش خاطر
جانب مقابل میگردند.

خلاف روال نوشته های قلبی درین نبشته از یک رویداد واقعی ولی رنج آور که
وسیله یک خانواده افغان خود ما اتفاق افتاده به عنوان تجربه تلخ جهت تقویه و
تأکید این بخش و عبرت اندوزی دیگران خدمت شما عرضه میدارم ولی از بردن
ونام و اسم اشخاص خود داری می نمایم:

ساعت هشت و سی دقیقه صبح روز شنبه که به عرف ما (روز بازار) شهر
ماست تصمیم گرفتم برای خرید ضروریات خانه به مرکز شهر بروم و به همین
منظور رهسپار سنتروم یعنی محل «روز بازار» شدم، و بسیار عجله داشتم که
مواد مورد ضرورت را خریداری و عاجلتر دوباره بخانه برگردم - زیرا در
خانه مریض دارم و بموجب توصیه دوکتوران مربوط نباید او را تنها بگذارم:
ناگهان تلفون همراه صدا داد تا بلی گفتم خانم گفت خانه بیا که مهمان می آید.
گفتم چه وقت؟ گفت همین حالا منم ارتباط را قطع و طور عاجل به خانه بر
گشتم و خانم مریضم جریان تشریف آوری مهمان را چنین بازگو کرد: همسایه
ما در تماس تلفونی چنین گفتند:

تماس تلفونی: «فلانه نامه خانم همسایه» برایم گفت «محترم فلان نام... از
جمله قومای ما (قوم های ما) با خانم خود» از فلان شهر هلند بخانه ما طور
مهمان آمده اند میخواهند به دیدن شما بیایند:
گفتم خوش می آیند چه وقت؟ گفت معلوم نیست چای خود را بخورند انشا الله می
آیند.

ساعت تلفون به منزل ما: «۹ و ۳۰ دقیقه»:

ما در خانه منتظر ماندیم و آمدن ساعتها طول کشید و هر دقیقه و ساعت گوش به صدای زنگ و چشم به دروازه بودیم ولی آمدن آنها معلوم نشد - ساعت « ۵ پنج و بیست دقیقه» عصر را نشان می داد که زنگ دروازه صدا داد و مهمان ها تشریف آوردند **(فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَلْبَاب):** (تعبیر و داوری به شما خوانندگان عزیز مفوض است):

و اینکه ما در خانه بدون ارتکاب جرم و جنایت و اصدار حکم محکمه از صبح تا عصر و شام روز محبوس بودیم و از علت تأخیری اعتنایی هم خبری نداشتیم و هم روی نزاکتهای که بین افغانها مروج است دوباره بمنظور آگهی تلفون کرده نمی توانستیم و آنها هم علت تأخیر را خبر ندادند و ما بیچاره ها انتظار کشیدیم و رنج بردیم ولی تحمل کردیم.

چنین اعمال انگیزه داده است که بعضی افغانها بعد از وعده و وعید بگونه مطایبه از همدیگر می پرسند (و وعده افغانیست یا اروپائی)

همانطوریکه در صدر این نوشته مطابق حکم آیه مبارک تصریح شد : تخلف به «تعهد و وعده» به همان اندازه ای که در قواعد اسلامی و شرعی مذموم و نارواست و به همان پیمان در روابط اجتماعی بین افراد جامعه نیز جایگاه مناسبی نداشته و از اعمال حقارت باره شمار می رود. زمانیکه به امری تعهد و پیمان بسته میشود ایجاب تعهد و وفا را می نماید و تخلف ازین پیمان در زمره اعمال زشت و نا پسند محاسبه گردیده و پی آمدهای ناگواری در قبال خواهد داشت بگونه مثال کاهش صمیمیت چنین اشخاص عهد شکن و وعده خلاف در بین دوستان، امکان صدمه رسیدن به راستی و صداقت ایشان از دید دیگران، کاهش و کمبآوری اجتماعی و سردی روابط ذات البینی با افراد، تنزیل اعتبار آنها در بین دوستان و فامیل های قریب و غیره .. و ..

تا جائیکه حدس و گمان کمک می کند: اشخاص متذکره درحقیقت از رنج و عذابیکه جانب مقابل در زمان انتظار و یا عهد شکنی آنها متحمل می شوند بی خبر و احساس مسئولیت نمی کنند:

واقعتهای عینی و عملی در اکثریت جوامع بیرون مرزی بویژه ممالک اروپائی نشان می دهد که مقیاس سنجش حضور و غیبت در امور رسمی و اجتماعی یا قرارها و وعده ها به حساب دقایق محاسبه میشود، این معیار علاوه ازینکه ضوابط قانونی دارد به فرهنگ عمومی جامعه تبدیل و شدیدن قابل رعایت است:

خبر نگاری: از «اوباما» رئیس جمهور اسبق امریکا در یک محفل بزرگ پرسید چرا یک دخترش با آنها نیست. «اوباما» گفت معلمش تقاضای ما را نپذیرفت و او را رخصت نداد که با ما می آمد.

واقعیت امر این است که ما در کشورهای زندگی و بود باش داریم که آنها بر موجودیت غنای فرهنگی و حرمت گذاری به قانون و قانونیت خود ها می بالند و شایستگی جامعه را درین راستا می ستایند.

زمانیکه ما خود ها را تابع قوانین و فرهنگ پسندیده جغرافیای محل زیست خود می دانیم بر مبنای حکم اخلاق عامل چنان کاری نباشیم که خلاف نورم های عالیای انسانی بوده و سبب انزجار جامعه و شرمساری ما گردد.

باقی دارد: در آینده می خوانید.

با حرمت سخی صمیم.